

# شرح حال و آثار

## محقق نراقی

حسین روحانی نژاد

زادگاه

در مشرق دلیجان، در ناحیه کوهستانی، قصبه ای سردسیر و قدیمی قرار دارد<sup>۱</sup> که خاستگاه دو تن از عالمان نامدار قرن دوازدهم و سیزدهم هجری است. این قصبه، نراق نام دارد. هرگاه از یکی از آن دو عالم، سخن به میان آید، از او به عنوان «نراقی» یاد کنند و چون هر دو را با هم ذکر کنند، از آنان به «نراقیان» یاد می شود. به پدر، نراقی اول، و به پسر، نراقی دوم و نیز به اولی، محقق نراقی و به دومی، فاضل نراقی گفته می شود.

اگر نام نراق بر سر زبان ها افتاده و مرزهای جغرافیایی را درنوردیده، به دلیل وجود «چشمه ساران و قنوت و محصول غلات و میوه های صیفی و سیب زمینی و لبنیات و حتی قالیچه های<sup>۲</sup>» دستباف آن نیست، بلکه این شهرت را وامدار عالمان و محققان تقواپیشه ای است که در آن جا زاده و زیسته اند. این، دانش و پژوهش و پرهیزگاری است که زنگار زمان را از چهره آن قصبه زدوده است.

ولادت

در اواخر نیمه اول قرن دوازدهم هجری<sup>۳</sup> در خانواده کارمندی گمنام به نام ابوذر که دارای منصب قابل ذکری نبود، کودکی چشم به جهان گشود که نام وی را محمدمهدی گذاشتند.

البته در مورد نام او اختلاف است. در آغاز بعضی کتب و مصنفات وی، نامش مهدی ذکر شده، ولی نجل جلیل او در آغاز بعضی کتاب های خود از او به نام محمدمهدی یاد کرده است.<sup>۴</sup> کسانی که شرح حال محقق نراقی را در کتاب های خود آورده اند، نسبت به دوران کودکی او سخنی به میان نیاورده اند.

دوران تحصیل

نراقی (ره) برای تحصیل علوم دینی و معارف اسلامی، زادگاه خود را به عزم کاشان ترک گفت و در حوزه علمیه این شهر رحل اقامت افکند. مقدمات و سطح را نزد استادان آن دیار به خوبی فراگرفت و «پس از تکمیل تحصیلات مقدماتی و سطوح نزد افاضل کاشان و استفاده کامل از محضر درس و بحث ملا محمدجعفر بیدگلی که اعم و رئیس علمای آن دیار بود، و ... محقق نراقی او را از اجلة مشایخ کرام و یکی از کواکب سبعة

۱. ۲. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، ج ۴۷، ص ۴۱۹، به نقل از فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۱، ص ۲۲۲.

۳. بعضی تاریخ ولادت او را در سال ۱۱۲۸ ق دانسته اند؛ لیکن با توجه به این که وفات او در سال ۱۲۰۹ ق در حدود شصت و سه سالگی اتفاق افتاده است، تولد او در حدود سال ۱۱۴۶ ق بوده است.

۴. ر. ک: مولی محمدمهدی نراقی، اقیس الموحلین، با مقدمه استاد حسن زاده آملی، ص ۱۳.

اساتید عظام خود به شمار آورده است، رهسپار اصفهان گردید که جایگاه دانشمندان بزرگ و بنام و در حقیقت، دارالعلم ایران بود.<sup>۵</sup>

نراقی به معنی درست کلمه «طالب علم» و تشنه حقایق و معارف الهی بود. حوزه کوچک کاشان، روح پژوهشگر و حقیقت جوی او را سیراب نمی ساخت. از این رو به حوزه علمیه اصفهان که در آن زمان بزرگ ترین حوزه علمیه ایران بود، مهاجرت کرد و مدت زیادی در آن حوزه ماند و نزد اساتید میرز و برجسته درس خواند و خود را به قله رفیع حکمت و ریاضیات و هندسه و هیئت و دیگر فنون و علوم نقلی و عقلی رساند. وی به فقه و اصول و فلسفه و دیگر علوم متداول در حوزه های علمیه بسنده نکرد بلکه در اکثر علوم و فنون عصر خود به تحصیل و تحقیق پرداخت و در این راه از بذل هیچ کوششی دریغ نورزید و در هر علم و فن آن چنان مهارت یافت که گویی «مردیک فن» است و همه عمر را صرف همان یک رشته از معرفت کرده است.

علاقه و اشتیاق او به تحصیل و تهذیب به اندازه ای بود که نامه هایی را که از زادگاهش به وی می نوشتند، نمی خواند و در زیر فرش می گذاشت. زیرا بیم آن داشت که نامه حاکی از خبر و اتفاق ناگواری باشد و موجب پریشانی خاطر وی گردد و از تحصیل کمال، بازش دارد.

پدرش که پاکار\* نراق بود، در حادثه ای به قتل رسید. به او نامه نوشتند تا از قتل پدرش آگه اش کنند و او را به نراق فراخوانند. اما محقق نراقی به عادت مألوف، آن نامه را نیز در زیر فرش نهاد. بستگان وی هر چه منتظر ماندند از نراقی خبری نشد. سرانجام به استاد وی خواجویی خبر دادند و از او خواستند که شاگردش را از واقعه مطلع و روانه نراق سازد. هنگامی که نراقی برای کسب فیض به محضر استاد خواجویی شرفیاب شد، او را مهموم و مغموم یافت. استاد، اظهار حزن نمود و درس را آغاز نمی کرد. نراقی از استاد خواست که تدریس را شروع کند. علامه خواجویی گفت: تو باید به نراق بروی، زیرا پدرت مریض یا مجروح است. ملا محمد مهدی گفت: خداوند او را محافظت می کند، شما درس بدهید.

استاد ناگزیر کشته شدن پدرش را به وی خبر داد. نراقی پس از استماع این خبر ناگوار، باز هم بر شروع درس اصرار ورزید. سرانجام علامه خواجویی به نراقی امر کرد که به زادگاه خود مسافرت کند. نراقی به فرمان استاد گردن نهاد و به نراق رفت، ولی بیش از سه روز توقف نکرد و بازگشت و همچنان با اشتیاقی و صف ناپذیر به کسب علوم نقلی و عقلی، همت گماشت.<sup>۶</sup>

نراقی در ایام تحصیل، در نهایت فقر و تنگدستی به سر می برد تا آن جا که گاه قدرت خرید روغن چراغ نداشت و در پرتو نور چراغ آبریزهای مدرسه مطالعه می کرد و چون احساس می کرد کسی برای قضای حاجت می آید، وانمود می ساخت که به قضای حاجت آمده است. مناعت طبع و عزت و کرامت وی اجازه نمی داد که دیگران از وضع او آگاه شوند.<sup>۷</sup>

مطالعه ابعاد مختلف شخصیت علامه نراقی، آدمی را سخت شگفت زده می سازد؛ زیرا خود را در برابر مردمی می بیند که بحق «دایرةالمعارف متحرک» است؛ مردمی که علم و عمل و زمان آگاهی را با هم درآمیخته و در فضای فکری عصر خود، دچار سردرگمی و حیرت نشده است.

علامه نراقی با آن که ادیبی چیره دست، فقیهی نامور، حکیمی متضلع، ریاضیدانی عالیمقام، مهندسی ماهر و عارفی اهل سیر و سلوک بود، دچار جمود و تحجر نبود و «در اصفهان حتی در جهت مطالعه کتب علمی و دینی یهود و نصارا، خط و زبان عبری و لاتین را نیز نزد پیشوایان و دانشمندان آن ها آموخت ... محقق نراقی، نخستین دانشمند ایرانی است که در پاره ای از مباحث مؤلفات خود در علوم ریاضی از هندسه و هیئت و فلک شناسی به عقاید و تحقیقات علمای ریاضی فرنگ و اکتشافات جدید آن ها تصریح می کند؛ از آن جمله در موضوع حرکت وضعی زمین، تصریح به عقیده علمای فرنگ می کند که معتقد به حرکت عمومی زمین می باشند».<sup>۸</sup>

یکی از مورخان معاصر نراقی، به نام ابوالحسن مستوفی غفاری در کتاب «تاریخ گلشن مراد» که جزء کتب خطی منحصر به فرد کتابخانه ملی ملک و از منابع مهم و موثق در شرح احوال نراقی اول است، درباره تحصیلات او در اصفهان چنین می گوید: در اصفهان، آن جناب را ترقی معقولی در جمیع علوم از فقه و حدیث و تفسیر کلام الله مجید و اصول فقه و حکمت از شفا و اشارات و متعلقات آن ها و علوم ریاضی به جمیع

۵. نراقی، ملا محمد مهدی، اللمة الالهیه و الکلمات الوجیزه، تصحیح و تعلیق سید جلال آشتیانی، ص ۷.

\* پاکار کسی را گویند که چون تحصیلداری به جایی بیاید، او زرا از مردم تحصیل کند و به تحصیلدار دهد (پرهان)؛ شخصی که در شهرها و ده ها جای مردم به محصلان و ارباب طلب دیوانی نماید. (رشیدی)؛ کارگذار ... خدمتکار. یادو. چاکر. نوکر ... (فتننامه دهخدا)

۶. تنکابنی، میرزا محمد، قصص العلماء، انتشارات علمیه اسلامیة، ص ۱۳۲-۱۳۳، با دخل و تصرف.

۷. نوری طبرسی، حاج میرزا حسین، مستدرک الوسائل، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ج ۳، ص ۳۹۶.

۸. اللمة الالهیه و الکلمات الوجیزه، ص ۹.

عده‌ای از عالمان و حکیمان اسلامی که منشأ آثار و برکات فراوان بوده‌اند؛ از تلامیذ این یگانه دوران به شمار می‌روند. از او چند رساله نفیس به یادگار مانده است؛ دو رساله از آن وسایل که صبغه فلسفی دارد که در جلد دوم منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، نوشته استاد جلال الدین آشتیانی، نقل شده است.

#### رسالت اجتماعی

علامه نراقی پس از تکمیل تحصیلات و تهذیب نفس، به کاشان بازگشت تا رسالت الهی خود را به عنوان یک عالم اسلامی به جا آورد و دست ایتام آل محمد (ص) را بگیرد و علوم اهل بیت (ع) و حکمت الهی را در جامعه بگستراند.

حوزه کاشان در آن زمان چندان رونقی نداشت و از وجود علما خالی بود. با ورود این محقق عظیم‌النظیر و عالم کامل، در کالبد کاشان جان دمیده شد و حیات دینی و علمی آن تجدید گردید. نراقی، نخست در آن جا مدرسه بسیار آبرومندی از حیث مرکزیت علمی فراهم آورد؛ به طوری که این شهر مرکز بزرگ علمی و فرهنگی شد<sup>۱۳</sup> و علما و فضلا از هر سو به امید کسب علم به محضرش شتافتند و از آن زمان تاکنون هیچ‌گاه از وجود مجتهدان نامور خالی نمانده است، و این از برکت انفاست قدسیه آن جناب و مروهون دریای علم و فضل او است.<sup>۱۴</sup>

علامه نراقی به درس و بحث و تربیت فضلا و علما بسنده نمی‌کرد؛ بلکه نماز شکوهمند و سیاسی-عبادی جمعه را نیز اقامه می‌کرد و به عنوان یکی از مجتهدان بزرگ عصر و مراجع و زعمای دین، دارای محضر ترافغ و قضا بود.<sup>۱۵</sup> حیات نراقی چه در ایام تحصیل در اصفهان و چه در دوره ایفای رسالت اجتماعی در کاشان، توأم با تحرك و تلاش مداوم بود. او عالمی پرکار و خستگی ناشناس بود؛ هم به تصنیف و تألیف در معقول و منقول اشتغال داشت، هم مرجع قضا و فتوا بود؛ هم عالی‌ترین کتب ریاضی را تدریس می‌نمود.

۹. لمعة الهیة، ص ۸.

۱۰. این قولی است که مرحوم میرزا محمد تکابنی در کتاب معروف خود قصص العلماء (انتشارات علمیه اسلامیة، ص ۱۳۲) بر آن است. ایضاً ر. ک: کشمیری، میرزا محمد علی، نجوم السماء فی تراجم العلماء، از منشورات مکتبه بصیرتی، ص ۳۱۹.

۱۱. فلاسفة شیعه، ص ۵۱۰.

۱۲. متتخیات فلسفی، ج ۲، ص ۱۵۲.

۱۳. فلاسفة شیعه، ص ۵۱۰.

۱۴. دوانی، علی، وحید بهبهانی، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۲، ص ۲۰۸.

۱۵. آشتیانی، سید جلال، متتخیات فلسفی، ج ۲، ص ۳۵۱.

اقسام‌ها از هیئت و نجوم و استخراج تقویم و مجسطی و حساب [و] هندسه و همچنین علم طب و علم کلام و سایر علوم می‌که موقوف علیه اجتهاد است [حاصل شد و] به کاشان معاودت و مدتی در کاشان به افاده مشغول، به امامت جمعه و جماعت قیام و به ارشاد خلایق مساعی تمام نمودند... و تا به حال تحریر که سنه مبارکه هزار و دوویست و شش رسیده در قید حیات و به ارشاد خلایق مشغول می‌باشند.<sup>۹</sup>

محقق نراقی با پشتکار و جدیت و علاقه وافر، حدود سه دهه<sup>۱۰</sup> در برابر حکما، فقها، اساتید برجسته و ارباب معرفت حوزه اصفهان زانوی تلمذ به زمین زده خرمین دانش و بینش اندوخت و علم و بصیرت را به هم آمیخت و نادره دوران و نابغه مشارالیه بالبنان گردید.

محقق نراقی که اشتیاق زایدالوصف به تحصیل علوم و معارف داشت، عازم عراق گردید تا هم بر آستان قدس ائمه شیعه در آن دیار بوسه نهد و برای ادامه راه کمال و قرب به حضرت ذوالجلال از آن انوار تابناک مدد جوید و هم از محضر اساتید بزرگ حوزه‌های عراق به خصوص علامه عالی‌مقام و اصولی سترگ، و وحید بهبهانی-قدس سره- بهره برد و بر اندوخته‌های علمی خود بیفزاید.

در کربلا و نجف «در نزد اعلام و بزرگان و رجال علمی عظیم الشان آن سرزمین از قبیل وحید بهبهانی و شیخ یوسف بحرینی (متوفی به سال ۱۱۸۶ هجری) و شیخ مهدی فتونی عاملی (متوفی به سال ۱۱۸۳ هجری) به کسب دانش و تکمیل معلومات خود پرداخت.<sup>۱۱</sup>»

عمده تحصیلات علامه نراقی در اصفهان بوده و می‌توان او را از فارغ‌التحصیلان حوزه اصفهان به شمار آورد و چنان‌که پیش‌تر گفتیم بیش‌تر تحصیل او نزد حکیم و فقیه محقق مولی محمد اسماعیل مازندرانی معروف به خواجویی (م ۱۱۷۳ ه. ق) بوده و در معقول و منقول از محضر آن حکیم بارع استفاضه نموده است؛ هر چند مشهور این است که در علوم عقلی شاگرد علامه خواجویی است و در علوم نقلی نزد دیگران تلمذ کرده است.

علامه خواجویی علاوه بر تخصص در فقه و اصول و کلام و حدیث و تفسیر، دارای حوزه فلسفی گرم و پررونقی نیز بود. او از زهاد زمان خود محسوب می‌شد و از تجملات گریزان و از اقبال به دنیا و اهل آن روگردان بود. نادرشاه افشار با آن‌که با علما میانه خوبی نداشت و از آنان حساب نمی‌برد، او امر علامه خواجویی را لازم‌الاجراء می‌دانست.<sup>۱۲</sup>

البته بعضی برآنند اگر نراقی از حوزه‌های بزرگ دور نیفتاده و در کاشان متوطن نگشته بود، بیش تر مورد استفاده طالبان علم قرار می‌گرفت.<sup>۱۶</sup>

#### محقق نراقی در تراجم و تذکره‌ها

اینک کلمات عده‌ای از صاحبان تراجم و تذکره‌ها و نویسندگان را درباره‌ی محقق نراقی به اختصار و اجمال ذکر می‌کنیم.

سید محمدحسن زنوزی، از فحول علمای معاصر علامه نراقی و از شاگردان حوزه‌ی درس وحید بهبهانی که محضر نراقی را درک کرده است، در کتاب *گرائقدر ریاض الجنه* (مخطوط) چنین گوید:

محمد مهدی بن ابی ذر کاشانی نراقی، عالمی کامل، فاضل، صالح، جلیل و محقق، مدقق، عادل، متضلع، نحیر، متبحر، فقیه، حکیم، متکلم، مهندس، و از دانشمندان معاصر و در اکثر فنون و کتب، چه اسلامی و چه غیر اسلامی از ملل و ادیان دیگر، ماهر بود. او [عالمی] جلیل‌القدر، عظیم‌الشان، برخوردار از مکرمت‌های اخلاقی، آداب نیکو و تألیفات فراوان بود. نیکو می‌نوشت و تعبیر می‌کرد. مؤلفات او لطیف و فراوان است ...<sup>۱۷</sup>

فرزند ارجمند محقق نراقی، حاج ملا احمد نراقی، موسوم به فاضل نراقی در پایان نسخه‌ی خطی *لؤلؤ البحرین* از پدر چنین یاد می‌کند:

«والد ماجد، محقق زاهد، مولانا محمد مهدی ابن ابی ذر ... - طاب ثراه - در نراق متولد شد و در کاشان چشم از جهان فرو بست ...»<sup>۱۸</sup>

خوانساری، صاحب کتاب معروف «روضات الجنات» درباره‌ی اش چنین آورده است:

«عالم بارع و فاضل جامع، قدوة خیل اهل تحقیق به فهم اشراقی، مولانا مهدی بن ابی ذر کاشانی نراقی ... از ارکان علمای متأخر و از اعیان فضلالی متبحر ماست. در اکثر فنون علم و کمال، صاحب تصنیف، و در فقه و حکمت و اصول و اعداد و اشکال [مهارت او] مسلم [و غیر قابل تردید] است.»<sup>۱۹</sup>

میرزا محمدعلی مدرس، صاحب کتاب معروف «ریحانة الادب» درباره‌ی محقق نراقی می‌نویسد:

... از فحول علمای امامیه و متبحرین علمای اثنی عشریه می‌باشد که فقیه اصولی، حکیم متکلم اعدادی اخلاقی، جامع علوم عقلیه و نقلیه بود، و در کلمات بعضی از اجله به «خاتم المجتهدين» و «لسان الفقهاء و المتکلمين» و

«ترجمان الحكماء و المتألهين» و نظایر این‌ها موصوف است. در حساب و هندسه و ریاضی و هیئت و علوم ادبیه خصوصاً معانی و بیان، ید طولایی داشت ...<sup>۲۰</sup>

میرزا محمدعلی کشمیری (متوفای ۱۳۰۹) در کتاب «نجوم السماء فی تراجم العلماء» درباره‌ی علامه نراقی می‌نویسد:

«الراقی من الفقه الی اعلی المراقی محمد مهدی بن ابی ذر النراقی، از اکابر علما و فقها بود. پیش علامه زمان ملا اسماعیل خواجهویی تا مدت سی سال به تحصیل علوم و فنون اشتغال داشت ... حاوی به جمیع علوم و سیما در فنون ریاضی از هندسه و حساب و هیئت و علوم ادبیه از معانی و بیان و غیر آن گردیده و در علم تفسیر، مهارت وافر و بلکه باهر پیدا نمود ...»<sup>۲۱</sup>

استاد حسن حسن زاده آملی در مقدمه کتاب *انیس الموحدين* - اثر بسیار سودمند محقق نراقی در اصول دین که به همت محقق عالیقدر، شهید آیه‌الله قاضی طباطبائی، تصحیح گردیده و پاورقی‌های نافی بر آن افزوده شده است - گوید:

«طود علم و تحقیق، استاد الكل فی الكل، علامه مولی مهدی یا محمد مهدی بن ابی ذر بن حاج محمد نراقی - قدس سره - یکی از نوابغ دهر و جامع کلیه فنون و علوم، و در هر فن مرد یک فن، و دائرة المعارفی ناطق، و کتابخانه بزرگی حی و متحرک بود. بی شک آن جناب در تبحر و تمهر به جمیع علوم عقلی و نقلی حتی در ادبیات و ریاضیات عالیه در عداد طراز اول از اکابر علمای اسلام، و در انصاف به فضائل اخلاقی و ملکات ملکوتی از نوادر روزگار است ... حضرتش صاحب تصانیف فائزه و تألیفات لائقه در علوم گوناگون است ... علامه محقق ملا مهدی نراقی را نراقی اول، و خلف صالحش ملا احمد فاضل نراقی را نراقی ثانی گویند و از هر دو تعبیر به نراقیان می‌شود، و مثل صاحب جواهر از مولی مهدی نراقی تعبیر به فاضل نراقی می‌کند.

وقتی در محضر مبارک حضرت استاد علامه طباطبائی صاحب تفسیر «المیزان» تشریف داشتیم که از نراقیان سخن به میان آمد،

۱۶. آقای آشتیانی در *متخبات فلسفی*، ج ۲، ص ۳۵۲ بر این باور است.

۱۷. نراقی محمد مهدی، *اللمعة الالهية و الکلمات الوجیزه*، تصحیح و تعلیق سید جلال آشتیانی، پیشگفتار حسن نراقی، ص ۱۴.

۱۸. همان.

۱۹. خوانساری اصفهانی، میرزا محمدباقر، *روضات الجنات*، انتشارات اسماعیلیان، ج ۷، ص ۲۰۰.

۲۰. مدرس، میرزا محمدعلی، *ریحانة الادب*، تبریز، چاپخانه شفق، ج ۶، ص ۱۶۴.

۲۱. کشمیری، میرزا محمدعلی، *نجوم السماء*، از منشورات مکتبه بصیرتی، ص ۳۱۹.

فرمودند: نراقیان هر دو از علمای بزرگ اسلام و ناشناخته اند. ۲۲  
 محقق گرانمایه، شیخ عبدالله نعمه، صاحب کتاب ارزشمند  
 فلاسفه الشیعه درباره علامه نراقی گوید:

«نراقی یکی از بزرگان و شیوخ و از مجتهدان برجسته و مبرز  
 شیعه است که در قرن ۱۲ و ۱۳ هجری ظهور کرده است. او در  
 فلسفه و ریاضیات و فقه و اخلاق و غیره تفوق یافت و اراده و  
 شخصیتی قوی داشت، آنچنان صبور و بردبار بود که صبر و  
 تحمل او را فقط در عده بسیار کمی از رجال بزرگ می توان  
 دید. ۲۳

حکیم ربانی، جناب آقای سید جلال آشتیانی که از مفاخر  
 شیعه در عصر ما هستند، در مقدمه ممتعی که بر دو اثر  
 گران سنگ محقق نراقی، یعنی اللمعة الالهية و الکلمات  
 الوجیزة نگاشته اند، ضمن آن که از نراقی به عنوان دانشمند  
 محقق نام می برند، چنین می نویسند:

صریحاً در این مقدمه به عرض ارباب معرفت می رسانم که  
 نظیر این محقق عالی مقام که در علوم شریعت، فقه و اصول  
 فقه و رجال، استاد مسلم و متبحر، در علم اخلاق و فلسفه  
 الهی، بارع و مسلط، و در فنون ریاضی، صاحب نظر، و  
 در جمیع این فنون، دارای بهترین تألیفات و آثار علمی  
 باشد، در کشور عزیز ما کم نظیر و در دیگر ممالک،  
 اسلامی، طی ادوار و قرون متمادیه تالی ندارد. برخی از  
 دانشمندان در چهار یا پنج قرن اخیر وجود داشته اند که در  
 علوم نقلیه محقق مسلم و بعضی نیز در علوم عقلی، مقام  
 شامخ داشته اند، ولی جامع در عقلیات و نقلیات، نادر، و  
 مؤلف محقق در فنون و علوم عقلی و نقلی در حد اعلای از  
 ندرت قرار دارند.

ذوق تألیف، آن هم با تفنن، نعمتی است که نصیب هر کس  
 نمی شود. نراقی در فقه و اصول و فلسفه و علوم ریاضی  
 سه نوع تألیف دارد:

۱. کتاب مفصل و مشروح و جامع الاطراف.
۲. اثر موجز و مختصر که به عنوان متن تألیف نموده.
۳. و اثر برزخ بین تفصیل و اجمال، که هر کدام دارای  
 مزایای خاص است. ۲۴

دانشمند گرامی، جناب آقای حسن نراقی از احفاد محقق  
 نراقی در شرح احوال جد امجد خود، در پیشگفتار کتاب اللمعة  
 الالهية و الکلمات الوجیزة می نویسد:

«حاج ملا محمد مهدی بن ابی ذر نراقی کاشانی (متوفی سال  
 ۱۲۰۹ هـ. ق) معروف به محقق نراقی به واسطه جامعیت به کلیه  
 علوم و فنون عصری و آراستگی به فضائل اخلاق ملکوتی، خود

از جمله نوابغ علمی کم نظیر و از مفاخر جهان فضل و دانش،  
 شناخته شده است؛ همچنان که فرزند برومند وی حاج ملا احمد  
 مشهور به فاضل نراقی و متخلص به صفایی نیز از اجله مشاهیر  
 دانشمندان مبرز و روشنفکر جامعه تشیع در دو قرن اخیر به شمار  
 می رود و هر یک از آن دو بزرگوار هم در مقام و موقع خاص  
 خود و اجد شخصیت علمی ممتاز و حسن شهرت در خور مزایای  
 خویش می باشند؛ به طوری که با بیانی قاطع می توان گفت: آن  
 فرزند نعم الخلف، مصداق حقیقی این بیت می باشد:

دهد ثمر زرگ و ریشه درخت خبرها

نهفته های پدر از پسر شود پیدا» ۲۵

حکیم بارع، آقای سید جلال آشتیانی در مقدمه موجزی که بر  
 کتاب قره العیون علامه نراقی نگاشته است، چنین گوید:

«یکی از اکابر علمای شیعه که در جامعیت و احاطه و تبحر و  
 تخصص در علوم نقلی و عقلی در دوران اسلامی کم نظیر است،  
 آخوند ملا محمد مهدی نراقی کاشانی است ... مجتهد و حکیم  
 عارف و ریاضی دان اواخر قرن دوازده و اول قرن سیزده هجری  
 قمری ...»

علامه نراقی از مجتهدین بزرگ عصر خود و از مراجع و  
 زعمای دین و دارای محضر ترافع و قضا بود. مؤلفین کتب  
 فقهی به آثار او توجه نموده اند. با این وصف در حکمت و  
 فلسفه الهی نیز دارای مقام شامخی است و در فنون ریاضی نیز،  
 آثار نفیسی دارد. عالی ترین کتب ریاضی را تدریس می نمود.  
 بعضی از او به افضل المهندسین تعبیر نموده اند. در علوم  
 تفسیر و حدیث و رجال تخصص داشته است. به لحاظ همین  
 جامعیت و تبحر بود که وقتی در کربلا به حوزه استاد بزرگ  
 عصر خود، استاد الاساتید آقا باقر بهبهانی (ره) حاضر شد،  
 مورد توجه کلیه افاضل قرار گرفت و استاد، مقدم او را گرامی  
 داشت، با این که در آن عصر ده ها محقق در حوزه های علمی  
 سرگرم تعلیم و تعلم بودند.

نراقی چون در شهر کاشان متوطن شد و از حوزه های بزرگ  
 دور افتاد، آن طوری که باید مورد استفاده طالبان علم قرار

۲۲. نراقی، مولی محمد مهدی، انیس الموحدين، تصحیح و پاورقی از شهید  
 آية الله قاضی طباطبایی با مقدمه استاد علامه حسن زاده آملی، انتشارات  
 الزهراء، ص ۱۳-۱۴.

۲۳. نعمه، شیخ عبدالله، فلاسفه شیعه، ترجمه غضبان، سید جعفر، سازمان  
 انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۶۷، ص ۵۰۹.

۲۴. نراقی محمد مهدی، اللمعة الالهية و الکلمات الوجیزة، تصحیح و تعلیق  
 سید جلال آشتیانی، پیشگفتار حسن نراقی، انتشارات انجمن فلسفه،  
 ۱۳۵۷ ش، ص ۲۲.

۲۵. همان، ص ۱-۲.

است.

این کتاب توسط این استاد فرزانه برای دانشجویان تدریس شده است.

### ۳. اللمعات العرشیه

این کتاب نفیس در پنج «لمعه» ترتیب یافته که فهرست آن‌ها به اجمال بدین منوال است:

لمعه اول در وجود و ماهیت؛

لمعه دوم در صفات جمال و جلال مبدأ؛

لمعه سوم در کیفیت ایجاد و افاضه و صدور افعال؛

لمعه چهارم در نفس انسانی؛

لمعه پنجم در نبوت و چگونگی وحی و نزول فرشتگان؛

### ۴. اللمعة الالهیه فی الحکمة المتعالیه

این رساله سودمند چنان‌که از نام آن پیداست در حکمت متعالیه و مشتمل بر پنج باب و هر باب مشتمل بر لمعات متعدد است. این کتاب خلاصه‌ای از اثر نسبتاً مفصل علامه نراقی در معارف الهی به نام «اللمعات العرشیه» است. تألیف این قبیل آثار بر احاطه و تسلط کامل مؤلف بر مباحث علمی دلالت دارد. مطالب کتابی عظیم و مفصل را به صورت اثری موجز درآوردن، نشان دهنده قابلیت مؤلف است.

این کتاب به ضمیمه خلاصه‌ای از آن به نام الکلمات الوجیزه با تعلیق و تصحیح و مقدمه‌ای متمتع از استاد سید جلال آشتیانی و با پیشگفتاری به قلم حسن نراقی از احفاد علامه نراقی به همت انتشارات انجمن فلسفه دانشگاه مشهد در سال ۱۳۵۷ ش. به چاپ رسیده است.

### ۵. الکلمات الوجیزه

### ۶. شرح الالهیات من کتاب الشفاء

این رساله مشتمل بر حواشی بر قسمت الهیات شفای شیخ الرئیس ابوعلی سینا و از آثار عالی در حکمت است. نسخه‌های خطی متعددی از این کتاب موجود است. این کتاب به همت دکتر مهدی محقق و توسط مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل با همکاری دانشگاه تهران در سال ۶۵ در تهران به چاپ رسیده است.

### ۷. اتیس الحکماء

این اثر از آخرین آثار محقق نراقی در علوم عقلی و مشتمل بر بخشی از امور عامه و طبیعیات است.

نگرفت و احتمال می‌رود مانند همه اعظم که در جاهای کوچک قرار می‌گیرند، از تعرض بی‌مایه‌ها که در همه جا حضور دارند، مصون نمانده باشد و این خود از اعظم مصائب است ...

مرحوم نراقی در حکمت الهی به آخوند ملاصدرا بسیار توجه داشته و از آثار او در همه جا متأثر است و در تحریر مشکلات و عویصات از آخوند استفاده نموده است.<sup>۲۶</sup>

### فهرست آثار و مصنفات محقق نراقی

محقق نراقی (ره) در تألیف و تصنیف، ذوق و سلیقه خوب و مطلوبی داشته است. غالب کسانی که در شرح احوالش سخن گفته‌اند، سبک او را ستوده و بعضی از آثار قلمی او را در نوع خود از نوادر به شمار آورده‌اند. آثار تحقیقی او در علوم عقلی و نقلی متجاوز از سی اثر است که مورد توجه محققان قرار گرفته است. این آثار بر تبحر و تخصص محقق نراقی دلالت دارند.

اینک فهرست کتب و آثار قلمی آن جناب را به صورت موضوعی در ذیل می‌آوریم.

### الف. کتب و رسایل فلسفی

#### ۱. جامع الانکار و ناقد الأنظار

این اثر که در زمینه خداشناسی (اثبات واجب تعالی و صفات ثبوتی و سلبی) است، در نوع خود کم‌نظیر و بلکه بی‌نظیر است. این کتاب در سی و پنج هزار بیت و دو مجلد تألیف شده و محقق نراقی در ربیع الاول ۱۱۹۳ در حدود چهل و چهار سالگی از تألیف آن فراغت یافته است.

این اثر نفیس فلسفی این محقق بزرگ، مشتمل است بر افکار و عقاید قدما و متأخران. نسخه‌های خطی آن در کتابخانه مجلس شورای ملی، کتابخانه انجمن آثار ملی کاشان و نزدیکی از احفاد آن بزرگوار موجود است.

محقق نراقی این اثر عظیم و ماندنی و خواندنی را در شرایطی صعب و در کوران حوادث و فتنه‌ها که نشان دهنده قدرت روحی شگرف اوست، تصنیف کرده است.<sup>۲۷</sup>

#### ۲. قره‌العیون

این رساله درباره ماهیت و وجود بحث می‌کند و پس از کتاب جامع الافکار و ناقد الانظار تألیف شده است. حکیم متضلع، استاد سید جلال آشتیانی که به تصحیح و تنقیح و معرفی آثار نفیس حکمای الهی ایران اسلامی از عصر میرداماد و میرفندرسکی تا زمان حاضر همت گمارده، این رساله را در چهارمین مجلد منتخبات فلسفی خود آورده و بر آن حواشی سودمند افزوده

۲۶. آشتیانی، سید جلال‌الدین، منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، چاپ

دانشگاه مشهد، ۱۳۵۸ ش، ج ۲، ص ۳۵۱-۳۵۲.

۲۷. ر. ک: پیشگفتار لمعه الهیه، ص ۳۰.



ب. کتب و رسایل فقهی

۱. معتمد الشیعه فی احکام الشریعه

۲. لوامع الاحکام

این دو اثر گرانبها و مبسوط که در فقه استدلالی است، همواره مورد استفاده و مراجعه اهل فضل و فقهای عظام بوده است.

۳. انیس التجار

این اثر با حواشی، بعضی اعلام، چندبار چاپ و منتشر شده است.

۴. تحفة الرضویه

در خصوص طهارت و نماز به زبان فارسی به رشته تحریر درآمده است.

ج. کتب و رسایل اصولی

۱. تجرید الاصول

مشمول بر یک دوره مباحث اصول فقه است و فرزندش فاضل نراقی شرح مبسوطی در هفت مجلد بر آن نگاشته است. این اثر یکبار چاپ سنگی و منتشر شده است.

۲. رساله الاجماع

این اثر ارزنده به سال ۱۱۷۸ ق هنگامی که محقق نراقی در حوزه کربلا در محضر استاد کل، وحید بهبهانی آخرین مدارج علمی را طی می کرده، در دفع شبهات اخباریان و دفاع از اصولیان نوشته شده است.

۳. جامعه الاصول

این اثر اصولی، در ۱۸۰ ق تألیف شده است.

۴. انیس المجتهدین

د. کتب و رسائل نراقی در ریاضیات، هیأت و فلک شناسی

۱. کتاب توضیح الاشکال به فارسی و در هندسه اقلیدس که

در حقیقت ترجمه و شرح کتاب هندسه اقلیدس است.

به گفته آقای حسن نراقی - یکی از احفاد محقق نراقی - این

کتاب نمونه ای از شاهکارهای کم نظیر منشآت فارسی است.

در مقدمه این کتاب از سیر تاریخی هندسه اقلیدس و تحریر و

تهذیب و ترجمه کتاب هندسه اقلیدس توسط خواجه

نصیرالدین طوسی و ملاقطب الدین علامه شیرازی سخن رفته

است.

نراقی به ترجمه تقریباً آزاد اثر مذکور و توضیح اشکالات و

تبیین برآهین و اضافه کردن فوائد و نکات جدید پرداخته است.

۲. رساله ای به فارسی در علم عقود اتمال که به همراه قوامیس

الدر ملا حبیب الله شریف کاشانی به چاپ رسیده است.

۳. کتاب المستقصى فی علم الهیة

این کتاب، بسیار مفصل و مشتمل بر یک مقدمه طولانی و ۴ باب است.

۴. المحصل نیز در علم هیئت است

۵. حاشیه شرح مجسطی

۶. حواشی بر اکرئا و ذوسیوس

۷. رساله حساب

۸. رساله تحریر اکرئا و ذوسیوس

۹. معراج السماء فی الهیة

هـ. اصول دین

انیس الموحدین

در اصول دین به فارسی نوشته شده و با تصحیح و پاورقی شهید آیه الله قاضی طباطبائی و مقدمه استاد حسن زاده آملی به چاپ رسیده است.

و. ادبیات

۱. رساله نخبه البیان فی علم المعانی والبیان

۲. دیوان اشعار

این اثر، از آثار ناشناخته محقق نراقی است که متأسفانه نسخه کامل و جامع آن که بالغ بر سه هزار بیت بوده است، در دست نیست. اینک چند بیتی از اشعار نراقی اول خطاب به نفس ناطقه انسانی را می آوریم:

چرا آخر ای مرغ قدسی مکان

جدا ماندی از مجمع قدسیان

چرا مانده ای دور از اصل خویش

چرا نیستی طالب وصل خویش

به قید طبیعت شدی پای بست

فراموش کردی تو عهد الست

نبودی تو آن شاهباز جهان

که در اوج وحدت بُدت آشیان؟

برافشان پر ای مرغ قدسی مکان

پر و بال ز آمیزش خاکیان

به خود در بی از این قفس برگشا

به صقع سما واتیان برگشا

ز پا بگسل این دام دار غرور

بپر تا به اوج سرای سرور

بده ساقی آن باده خوشگوار

که ایام دی رفت و آمد بهار

نراقی از این گونه گفتارها

برون رفتی از حد خود بارها<sup>۲۸</sup>

علامه نراقی به زبان تازی نیز شعر می سرود. از جمله وقتی یکی از تألیفات خود را برای دوست دیرین و صمیمی خود در نجف اشرف، علامه بحر العلوم - که از نوادر دهر و از مفاخر شیعه اثنی عشری است - فرستاده، در ابیاتی وی را چنین مخاطب ساخته است:

ألا أقل لسكان ذلك الحمى

هنيئاً لكم في الجنان الخلود

افيضوا علينا من الماء فيضاً

فنحن عطاش وانتم ورود

علامه سید مهدی بحر العلوم که از مقام علمی و کمالات معنوی محقق نراقی آگاه بود، در پاسخ وی ابیات ذیل را انشا کرد و فرستاد:

ألا أقل لمولى يرى من بعيد

جمال الحبيب بعين الشهود

لك الفضل من غائب شاهد

علي شاهد غائب بالصدور

فنحن على الماء نشكوا الظماً

وانتم على بعدكم بالورود

### ز. حواشی و تعلیقات بر آثار و مصنفات قدما

مرحوم محقق نراقی علاوه بر کتب و آثار مذکور، حواشی و تعلیقات سودمندی بر آثار و مصنفات قدما نوشته است که بعضی از آن‌ها خود، رساله مستقلی محسوب می شود. چنانچه کسی آن حواشی و تعلیقات را سر و سامان دهد و به چاپ بسپارد، به گفته مورخ معاصرش، زوزی، بالغ بر پنجاه رساله می گردد.<sup>۲۹</sup>

### ح. اخلاق

#### جامع السعادات

این اثر معروف ترین و ماندگارترین اثر قلمی محقق نراقی (ره) است.

این کتاب در سال ۱۳۱۲ هـ. ق توسط حاج محمدتقی کاشانی، مشهور به عطارها در تهران، در دو جلد، چاپ سنگی شد و سپس در سال ۱۳۸۳ ق. مطابق ۱۳۴۳ ش. توسط دانشمند معروف، سید محمد کلانتر و علامه عالی مقام مرحوم شیخ محمدرضا مظفر تصحیح انتقادی و در سه جلد، چاپ حرفی شد و از آن پس بارها در قم و بیروت از روی آن چاپ، تجدید چاپ و منتشر گردید.

ترجمه فارسی این اثر، توسط نویسنده و مترجم معروف، آقای دکتر سید جلال الدین مجتبوی، به نام علم اخلاق اسلامی انجام گرفته و برای نخستین بار در سال ۱۴۰۵ ق به وسیله

انتشارات حکمت در سه جلد منتشر شده است.

به نظر حقیر با آن که علامه محمدرضا مظفر شناخت کافی و جامعی از شخصیت علمی و فلسفی محقق نراقی نداشته و او را دست کم گرفته ولی خوشبختانه نسبت به اثر جاوید و ارزشمند او، جامع السعادات، تا حدودی حق مطلب را ادا کرده است.

وی در مورد تضلع و مهارت و چیره دستی محقق نراقی در فلسفه - که آثار آن در جامع السعادات به خصوص باب اول و در تقسیم ابواب کتاب و فصول آن بر اساس علمی و متقن و بی نظیر، آشکار است - گوید:

ويظهر اثر تضلعه في الفلسفة في كتابه هذا (جامع

السعادات)، لاسيما في الباب الاول، وفي تقسيمه لابواب

الكتاب وفصوله على اساس علمي متقن برز فيه على كتب

الاخلاق السابقة عليه من هذه الناحية.<sup>۳۰</sup>

وی همچنین در مورد انگیزه و اسلوب نراقی و کامل و روشمند بودن کتاب جامع السعادات گوید: تألیف این کتاب توسط محقق نراقی، دو امر را به ما می فهماند:

۱. طغیان تصوف از یکسو، و گسستگی اکثر مردم از اخلاق از سوی دیگر و همین دو پدیده اجتماعی بود که نراقی را واداشت که مردم را به اعتدال در سیر و سلوک اخلاقی سرچشمه گرفته از منابع شرعی، ارشاد کند. نراقی در همان زمان که کتاب خود را بر مبادی و مبانی فلسفه اشراق، بنا می کند، با گرایش صوفیانه به ستیز برمی خیزد و آرا و دعوت اخلاقی خود را بر اساس ذوق اسلامی که در احادیث نبوی و اهل بیت (ع) متجلی گردیده است، قرار می دهد. پس او همزمان به ویران کردن و ساختن پرداخته است. و همین، وجه اختلاف و تمایز کتاب او با کتاب «احیاء العلوم» است که در درجه اول بر روح صوفیگری تکیه دارد.

۲. حسن انتخاب و گزینش نراقی، نکته دیگری است که از تألیف جامع السعادات می توان دریافت؛ زیرا پس از متخصص این فن، ابن مسکویه (متوفی ۴۲۱ق) و ملا محسن فیض (متوفی ۱۰۹۱ق) تاکنون احدی از علمای امامیه کتابی کامل همانند جامع السعادات که بر اساس علمی و فلسفی استوار باشد، تألیف نکرده است.<sup>۳۱</sup>



۲۸. ر. ک: مهدی بن ابی ذر نراقی، شرح الالهيات من كتاب النفاة، به اهتمام دکتر محقق، مهدی، انتشارات موسسه مطالعات اسلامی مک گیل شیعه تهران، تهران، ۱۳۶۵، ص ۴۷-۴۹. ایضاً ر. ک: اللمة الالهيه، ص ۴۴-۴۶.

۲۹. اللمة الالهيه، ص ۴۶-۴۷.

۳۰. نراقی، محمد مهدی، جامع السعادات، به تصحیح و تعلیق کلانتر، سید محمد و مقدمه مظفر، محمدرضا، چاپ نجف، ج ۱، ص زح.

۳۱. جامع السعادات، ج ۱، ص ح.